

سرشناسه	:	ملک قاسمی، منوچهر، ۱۳۰۸
عنوان و نام پدیدآور	:	پیام مادر / پدیدآورنده منوچهر ملک قاسمی.
مشخصات نشر	:	تبریز: مهد آزادی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۵۶ ص: عکس.
شابک	:	۷-۳۳-۸۸۹۹-۹۶۴-۹۷۸-۱۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع	:	Persian poetry - 20th century
موضوع	:	شعر ترکی آذربایجانی - ایران - قرن ۱۴
موضوع	:	Azerbaijani poetry - Iran - 20th century
بندی کنگره	:	PIR ۸۳۶۱ / ج۱ ۱۳۹۸ پ ۸۱۲۳
ردیف	:	۸۴۱/۶۲
شماره کتابشناسی	:	۵۶۲۰۳۷۲

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: پیام مادر
پدیدآورنده: منوچهر ملک قاسمی
ناشر: مهد آزادی
طرح روی جلد: سید محسن پاکزاد
تیراژ: ۱۰۰۰
قطع: وزیری
بها: ۱۵۰/۰۰۰ ریال
چاپ اول: اسفند ۱۳۹۷
خدمات پیش از چاپ، چاپ و پس از چاپ: مجتمع چاپ مهد آزادی
نشانی: تبریز - خیابان امام خمینی (ره) - کوی شهید یوشاری تلفن: ۳۵۵۵۶۳۷۷
شابک: ۷-۳۳-۸۸۹۹-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۵.....	پیشگفتار
۱۰ و ۹.....	نمونه ای از خوشنویسی مرحومه حاجیه صدیقه منیعی
۱۱.....	الا نیلوفر نازم پیامت را شنیدم من
۱۲.....	بیا ای نازنین فرزند این درگه تماشا کن
۱۳.....	مادرم گذشت در خانه به روی همه باز است
۱۴.....	شیشوان رو پدرت از به کار آمده است
۱۶.....	کار آنقدر زیاد است ، کجا به پیش ؟
۱۷.....	چنین آمد به شعر خوب حاجیه شیشوان گویم
۲۰.....	قصه ده گفتنت خوب است ای شیشوانم بگو
۲۳.....	کار ده سر رسیده پاییز است
۲۴.....	مادر از باغ و گل و خانه بزودی به در آمد
۲۶.....	از بیست و یک آذر به شعر خود سخن گویم
۲۷.....	این بیست و یک آذر با دست جوانان شد
۲۹.....	شهر تبریز است آماج زمستان گشته است
۳۲.....	اسفند رسد نوبت بیداری و کار است
۳۴.....	ماه اسفند تمام است و به پایان آمد
۳۷.....	مادرم گفت تو را چند وصیت گویم
۳۹.....	آنامین اورهک سؤزی
۴۴.....	مینا آنا قوناقلاری چاغیردی
۴۹.....	تصاویر

انگیزه سرودن این منظومه را در نامه‌ای به خواهرزاده خود «تیلوفر منیعی» شرح داده و ضمن آن نوشته‌ام: پیام امروز تو جرقه‌ای بود که آتش دلم را شعله‌ور ساخت و مرا در زندگی پرماجرایی گذشته خود و خانواده‌ام همراه مادر همیشه زنده و راهنمایم به سیر و سفر واداشت و احساس درونیم را برانگیخت تا به گذشته خود و خانواده‌ام نظری بیافکنم. من روح و روان پراحساس خود را از پدرم به ارث برده‌ام.

فرق من با پدرم در این بود که او نمی‌توانست به سادگی احساسات درونی خود را بروز دهد، از جری که بیشتر خوشش می‌آمد احساس لطیفی به او دست می‌داد با قطره‌های اشک آن را آشکار می‌کرد و با کف دست آن را پاک می‌نمود و با نگاه معصومانه خود خاموش می‌ماند. بی‌من نمی‌توانستم چنین باشم و آنچه را که در دل دارم بر زبان جاری نسازم. نوشته‌ها و اشعار من و یادداشت‌های موجود شاهد ادعاست.

اما راجع به این اشعار احساس می‌کنم که توصیفی خود باید توضیح بدهم آنچه در این مجموعه بیان شده از ۱۶ قطعه جداگانه تشکیل برده است. در این رویا که تصویری از گذشته خانه و خانواده می‌باشد مادرم همراه من است. در این تابلوها حقایقی به تصویر کشیده شده است. پدر و مادر من به حد کافی سواد فارسی داشتند پدرم علاوه بر زبان فارسی آشنائی نیز به زبان فرانسه داشت هر دو به همراه سایر عمه‌ها و همه‌ها علاقه به خواندن گلستان سعدی و شاهنامه فردوسی داشتند مادرم خوشنویسی را نیز فرا گرفته بود که نمونه‌ای از خط وی در این مجموعه چاپ می‌شود. این دو به خواندن قرآن نیز با علاقه می‌پرداختند و هر سال چند دفعه قرآن را ختم می‌کردند.

من سعی کرده‌ام که از پیشامدهای ناگوار تصویری ارائه ندهم. بازگشتن در آنچه در تبریز و سایر مناطق مردم و خانواده را سال‌ها ناراحت کرده بود نیاز به تعریف و توصیف ندارد. از جمله در بحبوحه انقلاب گروه‌های غیراسلامی چپ‌گرا خانه‌ها و محل تدریس و تحصیل مخصوصاً حسینیه معروف خانواده ما را به آتش ظلم سوزاندند و عکس‌ها و مدارک و کتب را نیز بر جای نگذاشته آتش زدند.

به این نکته نیز باید توجه داشت که تابلوهای رنگارنگ من که با کم بضاعتی ترسیم شده است ممکن است برای عده‌ای نامفهوم بوده و چندان خوشایند نباشد. ولی تصور نمی‌کنم در فامیل‌های پدری و مادری من و اهالی محل کسانی باشند که مفاهیم این قطعات سروده شده را درک نکنند و از اوضاع و احوال مربوط به سال‌های گذشته نخواهند مطلع شوند. من نتوانستم بسیاری از مسائل آن زمان را توصیف کنم و زیبا و زشت را نشان دهم. اگر این می‌کردم تعداد تابلوها و مقدار ابیات به چند برابر می‌رسید و باعث خستگی روح و رون‌ش‌رنده و خواننده می‌شد. از این جهت به این مقدار قناعت شد تا در نظر اهل نظر چه قبول افتد و چه در نظر آید.

منوچهر ملک قاسمی